

بررسی ارتباط بین تخصص اعضای هیات مدیره و فعالیت‌های مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

سید محمد محسنی سهی^۱

زهرا امیر حسینی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

چکیده

امروزه اطلاعات ابزاری مهم در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به شمار می‌آید و بدون شک کیفیت تصمیم‌ها به صحت و دقت اطلاعات موجود بستگی دارد. وجود اطلاعات شفاف و کامل، یکی از ابزارهای مهم بازارهای مالی نیز می‌باشد. رسوائی اخیر در انرون و ورلد کام و سایر شرکت‌های آمریکایی، موجب برانگیخته شدن احساسات عمومی جامعه گردید. بنابراین عموم جامعه برای باور شدن که مدیریت سود اعمال شده توسط مدیران شرکت‌ها، به مدیریت سود فرصت طلبانه گرایش دارد، تا منافع شخصی آنها بیشینه گردد. راهبری شرکتی عاملی است که می‌تواند باعث بهبود عملکرد شرکت و به ویژه کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی مدیریت شود. یکی از مکانیزم‌های مهم راهبری شرکتی ویژگی‌های اعضای هیات مدیره شرکت است. در بین ویژگی‌های اعضای هیات مدیره نیز تخصص اعضا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف پژوهش، بررسی ارتباط بین تخصص اعضای هیات مدیره و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و همچنین ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری با توجه به وضعیت شرکت، از نظر تجارب و تخصص اعضای هیات مدیره می‌باشد. از این رو از مجموع شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۷۴ شرکت از طریق نمونه‌گیری به روش حذف سیستماتیک در طی سالهای ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ انتخاب و با استفاده از رگرسیون چندگانه مورد آزمون قرار گرفتند. متغیرهای این پژوهش عبارتند از: مدیریت سود واقعی، تخصص مالی، تخصص آکادمیک و تجربه مدیریتی اعضای هیات مدیره. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تخصص مالی و سطح آکادمیک (کارشناسی ارشد) اعضای هیات مدیره رابطه منفی با مدیریت سود دارد به عبارتی دیگر تخصص مالی و آکادمیک اعضای هیات مدیره باعث کاهش انگیزه‌های مدیریت سود در مدیران می‌شود. در خصوص تاثیر تجربه مدیریتی بر مدیریت سود شواهدی مشاهده نگردید.

واژگان کلیدی

تخصص مالی و آکادمیک اعضای هیات مدیره، تجربه مدیریتی اعضای هیات مدیره، مدیریت سود واقعی

۱. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه مدیریت، واحد شهرقدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

اهمیت اطلاعات حسابداری ازدیدگاه تصمیم گیرندگان در بازار سرمایه، وجود نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام به عنوان یک عامل تأثیرگذار بر مفاد قراردادها و ماهیت سیاسی- اجتماعی خدمات برخی از شرکتها از یک طرف و وابستگی پاداش مدیران به سود از طرف دیگر، نقش مهمی در فرآیند مدیریت سود داشته است. مدیریت سود یعنی اقدامات آگاهانه بعمل آمده توسط مدیریت در خصوص چگونگی گزارش سود جهت رسیدن به اهداف خاص به گونه ای که منطبق با اصول و رویه های حسابداری می باشد. تمایل مدیران به اعمال مدیریت سود و سوء استفاده از آن و در نتیجه ارائه اطلاعات نادرست به سهامداران، آسیب جدی به اعتماد سهامداران وارد و هزاران نفر از آنها را متضرر خواهد ساخت. این امر در نهایت تبعات اقتصادی وخیمی به دنبال خواهد داشت. بنابراین به دلیل اهمیت حفظ اعتماد سهامداران و به دنبال آن حفظ سلامت اقتصادی کشور و فضای حاکم بر آن، حاکمیت شرکتی به دنبال دستیابی شیوه هایی است که بر اساس آن، تأمین کنندگان مالی اطمینان حاصل نمایند که از سرمایه گذاری خود در شرکت بازده مناسبی را دریافت خواهند نمود. بخش راهبری شرکت ها متولی ارائه اطلاعات شفاف و درست به بازار سرمایه می باشد. موضوع راهبری شرکتی ضعیف توجه زیادی از جمله محققان، قانون گذاران و سرمایه گذاران را به خود جلب کرده است. راهبری شرکتی عاملی است که می تواند باعث بهبود عملکرد شرکت و به ویژه کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی مدیریت شود. یکی از مکانیزم مهم راهبری شرکتی ویژگی های اعضای هیات مدیره شرکت است. در بین ویژگی های اعضای هیات مدیره نیز تخصص اعضا از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در این پژوهش به دنبال آن هستیم تا ارتباط بین تخصص اعضای هیات مدیره و سطح فعالیت مدیریت سود واقعی را تبیین کنیم.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

امروزه اطلاعات ابزاری مهم در تصمیم گیری های اقتصادی به شمار می آید و بدون شک کیفیت تصمیم ها به صحت و دقت اطلاعات موجود بستگی دارد. وجود اطلاعات شفاف و کامل، یکی از ابزارهای مهم بازارهای مالی نیز می باشد (فروغی و جونقانی، ۱۳۹۱). بازار سرمایه یکی از بازارهایی است که در آن، اطلاعات شفاف بر عملکرد آن به شدت مؤثر است. به عبارتی، نقصان اطلاعات باعث افزایش هزینه مبادلات و ناتوانی بازار در تخصیص بهینه منابع می شود. اطلاعات هر چه شفاف تر و قابل دسترس تر باشد می تواند به اتخاذ تصمیم های صحیح تری در زمینه تخصیص بهینه منابع و رسیدن به کارآیی تخصیصی که هدف نهایی بازار سرمایه است، منجر شود (تجویدی، ۱۳۸۷). پس از انقلاب صنعتی و بزرگتر شدن شرکت ها، مالکیت از مدیریت در شرکت ها جدا و تضاد منافع بالقوه ای بین آنها در قالب یک تئوری تحت عنوان تئوری نمایندگی به وجود آمد. یکی از مهم ترین پیامدهای این تئوری، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران بوده که به موجب آن مدیران به دلیل آگاهی بیشتر از وضعیت شرکت با انگیزه هایی همچون ابقا در شرکت و یا دریافت پاداش بیشتر، اطلاعات مالی را به گونه ای تهیه و ارائه می کردند که وضعیت شرکت را به بهترین نحو منعکس کنند که این مسئله باعث شد که کیفیت صورت های مالی به چالش کشیده شود (کردستانی و رحیمی، ۱۳۹۰). صورت های مالی مهمترین منبع اشخاص برون سازمانی و به ویژه سرمایه گذاران در دستیابی به اطلاعات مورد نیاز است. در این بین صورت سود و زیان با ارائه اطلاعات مفید درباره توان سودآوری واحد تجاری، توجه بسیاری از سرمایه گذاران را به خود جلب نموده است. از طرفی اعمال قضاوت توسط مدیران در تهیه صورت های مالی، نگرانی هایی را در مورد

قابلیت اتکاء سود حسابداری ایجاد کرده است. چنانچه مدیران از طریق اعمال اختیارات خود در زمینه گزارش های حسابداری در گزارشگری مالی انگیزه هایی برای گمراه کردن استفاده کنندگان صورت های مالی داشته باشند، احتمال دستکاری یا مدیریت سود وجود دارد (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲). واتس و زیمرمن (۱۹۹۰) بیان می دارند، مدیریت سود یعنی مدیر، آزادی عمل بر روی ارقام حسابداری را با فرض وجود یا عدم وجود محدودیت هایی در این زمینه به کار گیرد. به عبارت دیگر مدیریت سود زمانی رخ می دهد که مدیر برای گزارشگری مالی از قضاوت شخصی خود استفاده می کند و این کار را با هدف گمراه کردن برخی از سهامداران درباره عملکرد واقعی اقتصادی یا برای تاثیر در نتایج قراردادهایی انجام می دهد که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارند. بطور کلی سود دوره جاری را می توان به دو روش مدیریت کرد. در روش اول، مدیران می توانند سود را از طریق ارقام تعهدی اختیاری دستکاری نمایند. در روش دوم، مدیران از طریق فعالیت های واقعی اقدام به دستکاری سود می کنند. به ویژه آنها می توانند زمان و میزان فعالیت های واقعی مثل تولید، فروش، سرمایه گذاری و فعالیت های تامین مالی را تغییر دهند تا به هدف سود مورد نظر خود دست یابند (احمدپور و همکاران، ۱۳۹۲). دستکاری فروش، تولید و هزینه های اختیاری سه روش متداول برای دستکاری فعالیت های واقعی به منظور افزایش سود هستند که بعنوان معیارهای مدیریت سود مبتنی بر فعالیت های واقعی شناخته می شوند (کیم و سوهن، ۲۰۰۸).

بخش راهبری شرکت ها متولی ارائه اطلاعات شفاف و درست به بازار سرمایه می باشد. موضوع راهبری شرکتی ضعیف توجه زیادی از جمله محققان، قانون گذاران و سرمایه گذاران را به خود جلب کرده است (آختارودین و همکاران^۱، ۲۰۰۹؛ آختارودین و هارن^۲، ۲۰۱۰؛ حسین آلكدای^۳، ۲۰۱۲). رسوایی های اخیر شرکت های بزرگ یکی از عواقب راهبری شرکتی ضعیف و از بین رفتن اعتماد سرمایه گذاران است. راهبری شرکتی عاملی است که می تواند باعث بهبود عملکرد شرکت و به ویژه کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی مدیریت شود. یکی از مکانیزم مهم راهبری شرکتی ویژگی های اعضای هیات مدیره شرکت است. در بین ویژگی های اعضای هیات مدیره نیز تخصص اعضا از اهمیت ویژه ای برخوردار است. منظور از تخصص اعضای هیات مدیره دانش و تجربه تیم مدیریت است که ممکن است اثرات مثبت و یا منفی بر عملکرد شرکت داشته باشد. برخی از مطالعات مربوط دریافته اند که هر چه اعضای هیات مدیره متخصص تر باشند، عملکرد عملیاتی شرکت بهتر است (چمنر و پاگلیس، ۲۰۰۵). به عنوان مثال، چمنر و پاگلیس (۲۰۰۵) نشان دادند که اعضای هیات مدیره با سطح تحصیلات و دانش عملکردی بالاتر، با احتمال زیاد پروژه هایی را که کیفیت بالاتری دارد انتخاب، بطور موثرتر اجرا و بنابراین، عملکرد عملیاتی بالاتری را خواهند داشت؛ که عملکرد بهتر شرکت می تواند انگیزه های مدیران برای مدیریت سود را کاهش دهد (مک وی، ۲۰۰۷). با توجه به این کاهش انگیزه در مدیران، بطور منطقی فرض می شود که تخصص اعضای هیات مدیره ارتباطی منفی با سطح مدیریت سود واقعی خواهد داشت. با این حال، برخی از پژوهش های دیگر گزارش کرده اند که تخصص مدیران همچنین می تواند انگیزه مدیران را در جهت تمایلاتشان تحریک کند (فینکلستین، ۱۹۹۲) که این می تواند اثری منفی روی ارزش شرکت بگذارد (دین، ۲۰۱۰). در چنین شرایطی، انگیزه مدیران برای مدیریت سود افزایش می یابد. فینکلستاین (۱۹۹۲) نشان می دهد که تخصص مدیریتی یک فاکتور بسیار مهم است که منجر به قدرتمندتر شدن اعضای هیات مدیره می شود. در نتیجه این

¹ - Akhtaruddin , et al.

² - Akhtaruddin & Haron

³ - Hussain alkdai

باعث می‌شود که اعضای هیات مدیره متخصص‌تر در جهت فعالیت‌های جانبدارانه عمل کنند و پس از آن به منظور جلوگیری از نشت اطلاعات در مورد رفتارشان به مدیریت سود دست بزنند (دینگ و همکاران، ۲۰۰۷). بنابراین، بر اساس مفهوم رفتار جانبدارانه مدیریتی، انتظار می‌رود تخصص اعضای هیات مدیره رابطه‌ای مثبت با سطح فعالیت‌های مدیریت سود واقعی داشته باشد. طبق مطالب بیان شده، انتظار می‌رود تخصص اعضای هیات مدیره با فعالیت‌های مدیریت سود واقعی رابطه‌ای معنادار داشته باشد، که این ارتباط می‌تواند طبق مفهوم کاهش انگیزه در مدیران منفی و یا طبق مفهوم فعالیت جانبدارانه مدیران مثبت باشد. به عبارت دیگر چگونگی تاثیر تخصص اعضای هیات مدیره بر سطح فعالیت مدیریت سود واقعی مبهم است. این پژوهش در تلاش است تا چگونگی ارتباط بین تخصص اعضای هیات مدیره و سطح فعالیت مدیریت سود واقعی را تبیین کند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های خارجی

عطیه و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی تاثیر ویژگی‌های هیات مدیره بر مدیریت سود واقعی در کشور مصر پرداختند. بازه زمانی پژوهش آنها بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ بود. نتایج پژوهش نشان داد که اندازه هیات مدیره با مدیریت سود واقعی ارتباط منفی و معناداری دارد.

لی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین تخصص اعضای هیات مدیره و فعالیت‌های مدیریت سود واقعی در کشور تایوان پرداختند. بازه زمانی پژوهش آنها بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ بود. نتایج پژوهش آنها نشان داد میزان درصد اعضای هیات مدیره که دارای مدرک کارشناسی ارشد می‌باشند رابطه‌ای منفی با فعالیت‌های مدیریت سود دارد.

گرینر (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان "تبعات مدیریت سود واقعی و حاکمیت شرکتی ضعیف؛ شواهدی از نگهداشت وجه نقد"، به این نتیجه رسید که مدیریت سود واقعی، ارزشیابی سهامداران از نگهداشت وجه نقد را کاهش می‌دهد و وجود ساز و کارهای حاکمیت شرکتی این ارزشیابی را بهبود می‌بخشد.

سان و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان "کیفیت سود و نگهداشت وجه نقد شرکت" به این نتیجه رسیدند، در شرکت‌هایی که به دلیل دستکاری سود، کیفیت سود آنها کمتر است، ارزیابی نگهداشت وجه نقد نیز در سطح پایین قرار دارد.

ژوآو و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی تاثیر حفاظت از طریق قبضه مالکیت بر مدیریت سود و عملکرد عملیاتی آتی می‌پردازند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که شرکت‌هایی که کمتر تحت نظارت قبضه مالکیت قرار می‌گیرند، دارای سطوح بالاتر مدیریت سود هستند و چنین شرکت‌هایی عملکرد عملیاتی آتی پایین‌تری دارند.

پژوهش‌های داخلی

مهرانی و همکاران (۱۳۹۳)، رابطه بین "کیفیت سود، هموارسازی سود و ریسک سهام" را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین کیفیت سود و ریسک سهام و رابطه مثبت و معنادار بین شاخص هموارسازی سود و ریسک سهام می‌باشد. همچنین ریسک شرکت‌هایی که سودهای با کیفیت خود را هموار می‌نمایند، بیش از شرکت‌هایی است که سودهای بی‌کیفیت خود را هموار می‌کنند.

احمدپور و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی رابطه میان عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنها تعداد ۱۱۰ شرکت را در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ به عنوان نمونه انتخاب کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بین عدم تقارن اطلاعاتی با جریان نقدی غیر عادی و تولید غیر عادی رابطه مستقیم وجود دارد، اما بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه های اختیاری غیر عادی رابطه معنی داری مشاهده نشد. مشککی و نوردیده (۱۳۹۱) به منظور بررسی تاثیر مدیریت سود بر پایداری سود، ۹۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را طی سال های ۸۴ تا ۸۹ مورد مطالعه قرار دادند. نتایج آنها حاکی از این است که پایداری سود شرکت های هموار ساز بیشتر از پایداری سود شرکت است.

حساس یگانه و صدیقی (۱۳۹۰)، پژوهشی با عنوان "ساختار حاکمیت شرکتی، مدیریت سود و محتوای اطلاعاتی سود حسابداری" انجام دادند، نتایج حاکی از این بود که میزان مدیریت سود بصورت مستقیمی محتوای اطلاعاتی سود مرتبط است و میزان مدیریت سود در مقایسه با ساختار حاکمیت شرکتی، تاثیر بیشتری بر محتوای اطلاعاتی سود حسابداری دارد.

فرضیه های پژوهش

مدیران برای دستیابی به اهداف مربوط به مدیریت سود خود، دو راه کلی پیش روی خویش دارند. یا اینکه اقدام تعهدی اختیاری را دستکاری نمایند و یا اینکه در تصمیمات عملیاتی واحد تجاری تغییراتی ایجاد کنند. باید توجه داشت دستکاری فعالیت های واقعی، وسیله تغییر آرایش حساب ها نیست. مدیران در این روش، زمان انجام عملیات، نحوه تخصیص منابع و یا زمان اجرای پروژه های سرمایه گذاری را تغییر می دهند. تحقیقات گذشته (گانی، ۲۰۰۵) این تصمیمات عملیاتی را در ۴ گروه طبقه بندی می کنند: ۱. کاهش هزینه های اختیاری تحقیق و توسعه، ۲. کاهش هزینه های اختیاری تبلیغات و فروش، ۳. زمان بندی فروش دارایی های ثابت برای گزارش سود و ۴. اضافه تولید برای کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته و افزایش فروش های اعتباری (قربانی و همکاران، ۱۳۹۰).

مدیران شرکت ها در موقعیت مطلوب باید گزینه های مناسب سرمایه گذاری را انتخاب و در راستای دستیابی به منافع سهامداران سیاست های بلند مدت شرکت را برنامه ریزی نمایند (آچار یا و همکاران، ۴، ۲۰۱۲). شواهد نشان می دهد که ممکن است مدیران در فعالیت های مدیریت سود واقعی به منظور علامت دهی برای بهبود بخشیدن به ارزشیابی های سرمایه گذاران از جریان های نقدی آتی شرکت کنند (تئوری علامت دهی)، اما به دلایل مسائل نمایندگی، این امکان نیز وجود دارد که در جهت منافع شخصی سود را مدیریت کنند. بنابراین با توجه به تئوری های مطرح شده فرضیه های پژوهش به صورت زیر طرح می شود:

فرضیه اول: بین مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر مالی اعضای هیات مدیره و فعالیت های مدیریت سود واقعی رابطه ی معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین تجربه و تخصص مالی اعضای هیات مدیره و فعالیت های مدیریت سود واقعی رابطه ی معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین تجربه مدیریتی اعضای هیات مدیره و فعالیت های مدیریت سود واقعی رابطه ی معناداری وجود دارد.

⁴ - Acharya, V., Davydenko, S.A., Strebulaev, I.A.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات شبه تجربی و در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است و از حیث هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است. روش پژوهش حاضر از نوع استقرایی و پس رویدادی (گذشته‌نگر) و روش آماری آن الگوی رگرسیون خطی چندگانه است. اطلاعات واقعی و حسابرسی شده شرکت‌ها از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت کدال استخراج خواهد شد. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌های گردآوری شده نیز با استفاده از نرم‌افزارهای اقتصادسنجی ایویوز صورت گرفته است.

مدل‌های پژوهش برگرفته از تحقیق لی و همکاران (۲۰۱۶)، به صورت زیر برآورد شده‌اند:

$$R_RM = \beta_0 + \beta_1 PMS + \beta_2 OPCY + \beta_3 A_IND + \beta_4 N_NI + \beta_5 SG_F + \beta_6 SIZE + \beta_7 LEV + \beta_8 CR + \beta_9 BM + \beta_{10} AUD + \beta_{11} INST + \varepsilon$$

$$R_RM = \beta_0 + \beta_1 FEX + \beta_2 OPCY + \beta_3 A_IND + \beta_4 N_NI + \beta_5 SG_F + \beta_6 SIZE + \beta_7 LEV + \beta_8 CR + \beta_9 BM + \beta_{10} AUD + \beta_{11} INST + \varepsilon$$

$$R_RM = \beta_0 + \beta_1 MEX + \beta_2 OPCY + \beta_3 A_IND + \beta_4 N_NI + \beta_5 SG_F + \beta_6 SIZE + \beta_7 LEV + \beta_8 CR + \beta_9 BM + \beta_{10} AUD + \beta_{11} INST + \varepsilon$$

متغیر و نحوه اندازه گیری

تعریف عملیاتی متغیرها

متغیرهای وابسته		
نام متغیر	علامت اختصاری	تعاریف عملیاتی
مدیریت سود واقعی	R-RM	جریان نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی نماینده متغیر مدیریت واقعی سود می‌باشد. این جریان نقدی همانطور که از نامش مشخص است، از طریق فعالیت‌های عملیاتی ایجاد می‌شود و شامل مواردی مانند دریافت‌های نقدی ناشی از فروش کالا و خدمات می‌باشد. مدیریت واقعی سود از طریق باقیمانده مدل تعدیل شده رویچودهای (۲۰۰۶) اندازه گیری و بصورت زیر محاسبه می‌شود: $CFO = \beta_0 + \beta_1 SALE + \beta_2 \Delta SALE + \beta_3 ROA + \varepsilon$ که در آن: CFO: جریان نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، $\Delta SALE$: تغییرات سالانه فروش، ROA: بازده جاری دارایی‌ها می‌باشد و ε : باقیمانده رگرسیون است که نشان دهنده مدیریت سود می‌باشد.

متغیر مستقل		
نام متغیر	علامت اختصاری	تعاریف عملیاتی
شاخص اول تعیین تخصص	PMS	درصدی از اعضای هیات مدیره که دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر مالی می باشند. (این متغیر از تقسیم تعداد اعضای که دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر می باشند بر کل اعضای هیات مدیره بدست می آید) (رشته حسابداری و رشته ای مرتبط)
شاخص دوم تعیین تخصص	FEX	درصدی از اعضای هیات مدیره که دارای تجربه و تخصص مالی می باشند. (تعداد اعضای دارای تجربه و تخصص مالی تقسیم بر کل اعضای هیات مدیره). دارای تحصیلات آکادمیک در رشته حسابداری یا سایر رشته های مرتبط و تجربه کاری در زمینه مالی
شاخص سوم تعیین تخصص	MEX	درصدی از اعضای هیات مدیره که دارای تجربه مدیریتی می باشند. (از تقسیم تعداد اعضای دارای تجربه مدیریتی بر کل اعضای هیات مدیره). دارای تجربه بیش از ۵ سال در زمینه مدیریتی
متغیرهای کنترلی		
نام متغیر	علامت اختصاری	تعاریف عملیاتی
طول مدت چرخه عملیاتی شرکت	OPCY	طول مدت چرخه عملیاتی شرکت
تغییرات سود	A-IND	برابر است با قدر مطلق تغییرات سود نسبت به سال قبل
متغیر مصنوعی مربوط به درآمد شرکت	N-NI	برابر ۱ اگر شرکت در دو یا بیشتر از دو سال قبل دارای زیان باشد و در غیر اینصورت صفر می شود.
اندازه شرکت	SIZE	برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش دفتری دارایی های شرکت
اهرم مالی شرکت	$Lev_{i,t}$	برابر است با نسبت بدهی های شرکت به کل دارایی های شرکت
تغییرات در فروش شرکت	SG-F	برابر است با درصد تغییرات در فروش ها نسبت به سال قبل
نرخ رشد شرکت	BM	برابر است با نسبت ارزش دفتری دارایی های شرکت به ارزش بازار دارایی ها
نسبت جاری	CR	برابر است با نسبت دارایی های جاری به بدهی های جاری
حسابرس شرکت	AUD	اگر حسابرس شرکت سازمان حسابرسی باشد برابر یک است و در غیر اینصورت صفر
مالکیت نهادی	INST	برابر است با درصد مالکیت سهامداران نهادی

یافته های پژوهش آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع
متغیرها	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع	نوع
مدیریت سود واقعی	E	۰,۰۰۳	۰	۰,۴۷	۰,۵۶	۰,۱۶	۰,۱۲	۴,۵
نسبت اعضای متخصص هیات مدیره	FEX	۰,۲۵	۰,۲۰	۱	۰	۰,۲۲	۰,۷۴	۲,۹
نسبت اعضای باتجربه هیات مدیره	MEX	۰,۷۲	۰,۸	۱	۰,۳۳	۰,۲۴	-۰,۲۱	۱,۴
نسبت اعضای دارای تحصیلات آکادمیک هیات مدیره	PMS	۰,۵۹	۰,۶	۱	۰	۰,۳۰	-۰,۴۱	۲,۰۹
مالکیت نهادی	INS	۰,۳۸	۰,۲۹	۰,۹۹	۰	۰,۳۱	۰,۳۷	۱,۷۴
اهرم مالی	LEV	۰,۵۶	۰,۵۶	۰,۹۷	۰,۱۳	۰,۱۸	۰,۰۱۷	۲,۴۶
شاخص رشد	MB	۰,۲۹	۰,۱۷	۲,۴	۰,۰۰۳	۰,۳۷	۳,۳۶	۱۶,۶
متغیر مجازی درآمد	N_NI	۰,۰۱۹	۰	۱	۰	۰,۱۳	۷,۰۱	۵۰,۱
چرخه عملیاتی	OPC_Y	۰,۷۲	۰,۶۲	۲,۹۱	۰,۰۶	۰,۴۱	۲,۸	۱۳,۴
اندازه شرکت	SIZE	۱۴,۳۵	۱۴,۰۳	۱۹,۱	۱۱,۰۳	۱,۶	۰,۸	۳,۴۶
تغییرات فروش	DSALE	۰,۲۱	۰,۱۹	۳,۳۵	۰,۹۷	۰,۴۱	۲,۷	۲۰,۶
تغییرات سود خالص	DIND	۱,۱۲	۰,۴۱	۱۵,۲۹	۰	۲,۱۶	۳,۷	۱۸,۱۹
نسبت جاری	CR	۱,۴۴	۱,۲۴	۵,۴۴	۰,۲۸	۰,۷۳	۱,۹۲	۸,۱
حسابرس شرکت	AUD	۰,۲۴	۰	۱	۰	۰,۴۲	۱,۲۱	۲,۴۶

همانگونه که نتایج نشان می دهد میانگین و میانه متغیر مدیریت سود واقعی در شرکت های نمونه به ترتیب ۰,۰۰۳ و ۰ می- باشد. به بیان دیگر متوسط مقادیر خطای مدل بر آورد مدیریت سود واقعی که نشان دهنده جریان های نقد عملیاتی غیر عادی در این مدل می باشد ۰,۰۰۳ است. میانگین و میانه متغیر مستقل نسبت اعضای متخصص در هیات مدیره برابر ۰,۲۵ و ۰,۲۰ می باشد به این معنا که حدود یک چهارم اعضای هیات مدیره در شرکت های نمونه دارای تخصص مالی می باشند. میانگین و میانه متغیر مستقل نسبت اعضای با تجربه در هیات مدیره برابر ۰,۰۷۲ و ۰,۰۸۰ می باشد به این معنا که حدود سه چهارم اعضای هیات مدیره در شرکت های نمونه دارای تجربه مدیریتی می باشند. میانگین و میانه متغیر مستقل نسبت اعضای دارای تحصیلات آکادمیک در هیات مدیره برابر ۰,۵۹ و ۰,۶۰ می باشد به این معنا که حدود ۶۰ درصد اعضای هیات مدیره در شرکت های نمونه دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد می باشند. با توجه به نزدیک بودن مقادیر میانگین و میانه می توان ادعا کرد که این این متغیرها از توزیع مناسبی برخوردارند.

انحراف معیار نشان دهنده پراکندگی داده های هر متغیر در اطراف میانگین است. متغیر کنترلی تغییرات سود خالص شرکت با انحراف معیار ۲,۱۶ دارای بیشترین پراکندگی از میانگین و متغیر مدیریت سود واقعی با انحراف معیار ۰,۱۶ دارای کمترین پراکندگی از میانگین است. هر چه انحراف معیار داده های یک متغیر کمتر باشد، داده ها به میانگین نزدیک تر و متجانس تر می باشند.

ضریب چولگی (کجی) معیاری از وجود تقارن یا عدم وجود تقارن در تابع توزیع است. برای یک توزیع کاملاً متقارن چولگی صفر است. برای یک توزیع نامتقارن به سمت راست مقدار چولگی مثبت و برای یک توزیع نامتقارن به سمت چپ مقدار چولگی منفی است. دو متغیر نسبت اعضای با تجربه هیات مدیره و نسبت اعضای دارای تحصیلات آکادمیک هیات مدیره دارای چولگی منفی و سایر متغیرهای پژوهش دارای چولگی مثبت می باشند.

ضریب کشیدگی معیاری از بلندی منحنی توزیع در نقطه ماکزیمم است. اگر مقدار برآوردی ضریب کشیدگی متغیر منفی باشد منحنی توزیع متغیر کوتاه تر از منحنی نرمال و اگر مقدار برآوردی ضریب کشیدگی متغیر بزرگتر از صفر باشد، منحنی متغیر بلندتر از منحنی توزیع نرمال است. با توجه به نتایج، کلیه متغیرهای پژوهش دارای توزیعی بلندتر از تابع توزیع نرمال دارند.

آزمون فرضیه

نتایج آزمون فرضیات

متغیر	نماد	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معناداری
نسبت اعضای با تحصیلات ارشد و بالاتر هیات مدیره	PMS	-۰,۱۳	۰,۰۵	-۲,۴۷	۰,۰۱۴
نسبت اعضای با تجربه و تخصص مالی هیات مدیره	FEX	-۰,۱۲	۰,۰۶۶	-۱,۸۰	۰,۰۷۲
نسبت اعضای با تجربه مدیریتی هیات مدیره	MEX	۰,۰۲	۰,۰۶۹	۰,۴۰	۰,۶۸
مالکیت نهادی	INS	۰,۰۸	۰,۱۰	۰,۸۴	۰,۳۹

متغیر	نماد	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معناداری
اهرم مالی	LEV	۰,۱۳	۰,۱۰	۱,۲۶	۰,۲۰
شاخص رشد	MB	-۰,۰۵	۰,۰۳	-۱,۷۹	۰,۰۷۴
متغیر مجازی درآمد	N_NI	۰,۰۱۹	۰,۰۶	۰,۳۱	۰,۷۵
چرخه عملیاتی	OPCY	۰,۰۶	۰,۰۴	۱,۶۴	۰,۱۰
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۷	۰,۰۲	۲,۶۷	۰,۰۰۸
تغییرات فروش	DSALE	۰,۰۱۸	۰,۰۲	۰,۸۷	۰,۳۸
تغییرات سود خالص	DIND	-۰,۰۰۷	۰,۰۰۴	-۱,۵۲	۰,۱۲
نسبت جاری	CR	۰,۰۲	۰,۰۱	۱,۱۶	۰,۲۴
حسابرس شرکت	AUD	۰,۰۰۱	۰,۰۸	۰,۰۲	۰,۹۸
متغیر مجازی	AR(1)	-۰,۲۲	۰,۰۷	-۳,۱۸	۰,۰۰۱
عرض از مبدا	C	-۱,۰۹	۰,۴۲	-۲,۵۸	۰,۰۱

همانطور که نتایج آزمون در جدول بالا نشان می‌دهد، معناداری کل رگرسیون با توجه به مقدار آماره F در سطح اطمینان ۹۹٪ تایید می‌شود. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده ۰,۵۴ می‌باشد که نشان می‌دهد ۵۴٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی مدل توضیح داده می‌شود.

با توجه به ستون معناداری، نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای کنترلی مالکیت نهادی، اهرم مالی، چرخه عملیاتی، متغیر مجازی مربوط به درآمد، تغییرات فروش، تغییرات سود خالص، نسبت جاری و حسابرس شرکت ارتباط معناداری با متغیر مدیریت سود واقعی ندارند اما متغیر اندازه شرکت با ضریب ۰,۰۷ در سطح احتمال ۱٪ دارای رابطه مثبت معنادار و متغیر شاخص رشد با ضریب ۰,۰۵ در سطح احتمال ۱۰٪ رابطه منفی معناداری با مدیریت سود واقعی دارد.

نتیجه آزمون فرضیه اول

فرضیه اول این پژوهش بیان می‌دارد که بین نسبت اعضای دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هیات مدیره و مدیریت سود واقعی رابطه معناداری وجود دارد. همانطور که در جدول ۴-۷ مشاهده می‌شود ضریب این متغیر ۰,۱۳- و سطح احتمال این متغیر ۰,۰۱ می‌باشد. به این معنا که، نسبت اعضای متخصص هیات مدیره تأثیری منفی و معنادار بر مدیریت سود واقعی شرکت دارد. به بیان دیگر فرضیه اول این پژوهش رد نمی‌شود.

نتیجه آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم این پژوهش بیان می‌دارد که بین نسبت اعضای باتجربه و تخصص مالی هیات مدیره و مدیریت سود واقعی رابطه معناداری وجود ندارد. همانطور که در جدول ۴-۷ مشاهده می‌شود ضریب این متغیر ۰,۱۲- می‌باشد، اما سطح احتمال این متغیر ۰,۰۷ می‌باشد به این معنا که نسبت اعضای باتجربه و تخصص مالی هیات مدیره تأثیر معناداری بر مدیریت سود واقعی شرکت ندارد. به بیان دیگر فرضیه دوم این پژوهش پذیرفته نمی‌شود.

نتیجه آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم این پژوهش بیان می دارد که بین نسبت اعضای دارای دارای تجربه و تخصص مدیریتی در هیات مدیره و مدیریت سود واقعی رابطه معناداری وجود ندارد. همانطور که در جدول ۴-۷ مشاهده می شود ضریب این متغیر ۰,۰۲ و سطح احتمال این متغیر ۰,۶۸ می باشد. به این معنا که، نسبت اعضای دارای تجربه مدیریتی در هیات مدیره تاثیر معناداری بر مدیریت سود واقعی شرکت ندارد. به بیان دیگر فرضیه سوم این پژوهش پذیرفته نمی شود.

نتیجه گیری

نتایج آزمون فرضیه اول

نتایج کلی حاصل از فرضیه اول نشان می دهد که بین مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر اعضای هیات مدیره بر فعالیت های مدیریت سود واقعی رابطه منفی و معنی داری می باشد. نتیجه این پژوهش موید پذیرش فرضیه می باشد. نتیجه فرضیه این پژوهش استدلال های لی و همکاران (۲۰۱۶) مبنی بر اینکه میزان درصد اعضای هیات مدیره که دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر می باشند رابطه ای منفی با فعالیت های مدیریت واقعی سود دارد تایید می کند. بنابراین می توان بیان کرد که چنانچه اعضای هیات مدیره دارای تخصص کارشناسی ارشد و بالاتر باشند اعمال مدیریت سود کمتری در گزارشات مالی اتفاق می افتد.

نتایج آزمون فرضیه دوم

نتایج کلی حاصل از فرضیه دوم نشان می دهد که بین تجربه و تخصص مالی اعضای هیات مدیره بر فعالیت های مدیریت سود واقعی رابطه معنی داری وجود ندارد که حکایت از عدم تایید و پذیرش فرضیه است. منظور از تخصص مالی داشتن مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه ای ملی یا معتبر بین المللی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد و سایر رشته های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت ها و گزارشهای مالی و کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی است. یافته های این پژوهش با نتایج ژوآو و همکاران (۲۰۱۱) است که نشان دادند میزان درصد اعضای هیات مدیره که دارای تجربه و تخصص مالی می باشند رابطه معنی داری با مدیریت سود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه سوم

نتایج کلی حاصل از فرضیه سوم نشان می دهد که بین تجربه مدیریتی اعضای هیات مدیره و فعالیت های مدیریت سود واقعی رابطه معنی داری وجود ندارد. نتیجه این پژوهش موید پذیرش فرضیه نمی باشد. اعضای از هیات مدیره که فاقد تجربه هستند، احتمال بیشتری وجود دارد که تصمیماتی نامطلوب در حوزه نظارت اولیه اتخاذ نمایند زیرا، آنها ممکن است دانش فنی لازم را نداشته باشند، نتوانند مسائل موجود و بالقوه را درک کنند، مهارت کافی برای حل مشکلات را نداشته باشند، و فاقد استقلال باشند. این نتیجه پژوهش بر خلاف گرینر (۲۰۱۳) که نشان داد تجربه مدیریتی اعضای هیات مدیره با مدیریت سود رابطه معنی داری ندارد. به بیان دیگر تجربه مدیریتی اعضای هیات مدیره تاثیر بر فعالیت های مدیریت سود واقعی ندارد. و چنانچه شرکت های به دنبال کاهش فعالیت مدیریت سود باشند نمیتوانند با قرار دادن اعضای هیات مدیره ای که صرفاً تجربه مدیریتی دارند به دنبال کاهش این امر مهم باشند و باید دو تخصص دیگر که در گذشته شرح داده شده را مد نظر قرار دهند.

پیشنهادهای مبتنی بر نتایج پژوهش

بر مبنای نتایج بدست آمده از پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- ۱- بر اساس نتایج حاصل از فرضیه اول پیشنهاد می‌گردد که به مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر اعضای هیات مدیره توجه شود.
- ۲- استاندارد گذاران حسابداری از طریق افزایش الزامات افشا، اطلاعات بیشتری نسبت به اعضای هیات مدیره به صورت جداگانه در یادداشت‌های همراه صورتهای به عنوان اطلاعات تکمیلی را درخواست کنند.
- ۳- به استفاده کنندگان صورتهای مالی از جمله سرمایه گذاران پیشنهاد می‌گردد که قبل از اتخاذ هرگونه تصمیمی بر اینکه در چه شرکتی سرمایه گذاری کنند، به این نکته توجه کنند کیفیت اقلام تعهدی، کیفیت اطلاعات حسابداری، اندازه و سایر دارایی های نقدی یک شرکت، عاملی مؤثر بر فعالیت های مدیریت سود می باشند.
- الزام شرکت ها به ارائه اطلاعات علاوه بر اطلاعات رایج، به عنوان مثال بخشی تحت عنوان تحلیل های مدیریتی به گزارش های مالی اضافه شود تا سرمایه گذاران راحت تر بتوانند عملکرد

منابع

۱. اقوامی، د. و جعفر باباجانی، ۱۳۷۷، "اصول و کاربرد حسابداری در سازمانهای دولتی و غیر انتفاعی"، انتشارات سمت.
۲. بهاری مقدم، م، ۱۳۸۵، "محرک های مؤثر بر مدیریت سود"، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
۳. پورزمانی، زهرا، ۱۳۸۵، "حاکمیت شرکتی و پیش بینی ورشکستگی شرکت ها"، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۴. حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۷. «مقدمه ای بر روش پژوهش در علوم انسانی»، انتشارات سمت.
۵. حسینی، و.، ۱۳۸۵، "تاثیر کیفیت اقلام تعهدی بر هزینه سرمایه شرکتها"، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران.
۶. حساس یگانه، ی و رافیک باغومیان، ۱۳۸۵، "نقش هیأت مدیره در حاکمیت شرکتی"، حسابداری، ۱۷۳.
۷. خسرو نژاد، ح، ۱۳۸۸، "رابطه نسبت بدهی ها و اندازه شرکت با مدیریت سود"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. رئیس، ز، ۱۳۸۷، "بررسی رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۹. رجبی، ر، ۱۳۸۵، "بررسی حاکمیت شرکتی بر هزینه سرمایه شرکت"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۱۰. رهنمای رودپشتی، ف و هاشم نیکومرام، ۱۳۸۵، "مدیریت مالی راهبردی"، انتشارات آگاه
۱۱. سیدی، ع، ۱۳۸۶، "بررسی رابطه بین مشخصه های هیأت مدیره با مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۲. شباهنگ، ر، ۱۳۸۷، "تئوری حسابداری (جلد اول)"، انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی.

۱۳. شباهنگ ، ر. ، ۱۳۸۷ ، "مدیریت مالی (جلد اول)" ، انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی.

۱۴. کرباسی یزدی ، ح. ، ۱۳۸۷ ، "تئوری حسابداری (۱)" ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد.

۱۵. نوروش ، الف و همکاران، ۱۳۸۴ ، " بررسی مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران " ، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز ، دوره ۲۲ ، شماره ۲.

۱۶. مهرآذین . ع. ، ۱۳۸۷ ، " ارزیابی مدل های مبتنی بر ارقام تعهدی در کشف مدیریت سود " ، رساله دکتری ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

۱۷. مرادی .م. و همکاران، ۱۳۸۷ ، "اثر چرخه های بازار سهام بر واکنش سرمایه گذاران نسبت به تغییرات غیره منتظره ارقام تعهدی" ، مجله دانش و توسعه (علمی - پژوهشی) سال پانزدهم، شماره ۲۵.

۱۸. مشایخی ، ب. و مریم صفری ، ۱۳۸۵ ، " وجه نقد ناشی از عملیات و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران "، بررسی های حسابداری و حسابرسی ، شماره ۴۴.

۱۹. مهرانی ، ک. و زهره عارف منش ، ۱۳۸۷ ، " بررسی هموار سازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران " ، بررسی های حسابداری و حسابرسی ، دوره ۱۵ شماره ۵۱.

۲۰. ملا نظری .م. و سعید کریمی زند ، ۱۳۸۶ ، " بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با اندازه شرکت و نوع صنعت در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران " ، بررسی های حسابداری و حسابرسی ، شماره ۴۷.

۲۱. یزدانی ، آ. ، ۱۳۸۵ ، " بررسی نقش ترازنامه در محدود کردن مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران " ، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد ، دانشگاه الزهراء (س).

1. Adams, Brean, A. Kenneth, carow, perry, Tod, 2009, " Earnings management and initial public offerings : The case of the depository industry " , journal of Banking & finance, 33, 2363-2372.
2. Abdul Rahman ,R. and Heneem, F., 2006, "Board , audit committee , culture and earning manamement Malaysian evidence", Managerial Auditing Journal.
3. Abu Tapanjeh ,M. ,2008 , " Corporate governance from the Islamic perspective:A comparative analysis with OECD principales" , critical prespective on accounting.
4. 3- Alishah, S. and Ali Butt , S.; hasan , A. ,2009, "corporate governance and earnings management empirical evidence from Pakistani listed companies" , Euro journal of scientific research , Euro journals publishing
5. 4- Beasley ,M. ,1996, "An empirical analysis of the relation between the board of director composition and financial statement fraud", the accounting review, No.71
6. Bikki Jaggi , Sidney leung , (2007) " impaet of family dominance on monitoring of earnings management by audit committees : Evidence from Hong kong " , Journal of International Accounting Auditing Taxation , 16, 27- 50.
7. Christian leuz , Dhananjay Nanda, peter D.Wysocki , (2003) "Earnings management and investor protection : an international comparison " , Journal of financial Economics, 69 ,505-527.
8. Chung, H. and Hsiang, L. ,2007, "earnings management and corporate governance in Asias emerging markets" , Tiwan

9. Eman F. Attia, Tariq H. Ismail & Messaoud Mehafdi, " Impact of board of directors attributes on real-based earnings management: further evidence from Egypt", *Future Business Journal* , 8(1), 1-22.
10. Erling Barth ,Trygve Gulbrandsen, pal schone, (2005) "family ownership and productivity : the role of owner –management , *Journal of corporate finance*,11, 107 -127 .
11. Hill,C. and Jones ,T. , 1992, "Stakeholder- agency theory" , *Jornal of management studies*.
12. Jones,J. ,1991, "Earning management during import relief investigation " , *Journal of accounting research* .
13. Klein , A., 2006, "Audit committee ,board of director characteristics and earnings management " , *Law and economics research paper series working paper*,No 06-42
14. pornsit jiraporn , G. A. Miller , soon suk yoon ,young s. k. , (2008) " is earnings management opportunistic or beneficial ? An agency theory perspective " , *" International Review of financial Analysis* 17, 622- 634 .
15. par falkman.t. , Torbjorn Tagesson , (2008) " Accounting does not necessarily mean accounting : Factors that counteract compliance with accounting " , *Journal of management* , 24 , 271-283.
16. Park,Y. and Shin,H. ,2004," Board composition and earnings management in Canada", *Journal of corporate governance*
17. RichaD chung , Mhchael firth ,Jeong –Bon kim, (2002) "Institutional monitoring and opportunistic earnings management " , *Journal of corporate finance*, 8, 29, 48.
18. Sylvia veronica, s. , sidharta utama,a. , (2008) " , Type of earnings management and the effect of ownership strueture , firm size , and corporate - governance practices :Evidence form Indonesia , "the *International journal of accounting* 43 , 1-27.
19. Sugata Roychowdhury (2006) , " Earnings management through real activities manipulation " , *journal of Accounting and Economics* , 42 , 335-370.
20. Taewoo park , myung seok park, (2004), " Insider sales and earnings management " , *Journal of Accounting and public policy* ,23, 381-411.
21. uma Velury David s . Jenkins , (2006) " institutional ownership and the quality of earnings " , *Journal of Business Research* , 59, 1043- 1051.
22. Yu,F., 2006, "corporate governance and earnings management" , Chicago